

# گونه‌شناسی رویکرد مطالعات قرآنی آیت الله معرفت و بستر شکل‌گیری آنها (با تأکید بر اعجاز، تأویل و نسخ)\*

الهام جمشیدی (نویسنده مسؤول)<sup>۱</sup>  
حسین ستار<sup>۲</sup>  
محسن قاسم‌پور<sup>۳</sup>

## چکیده:

محمد‌هادی معرفت (۱۳۰۹-۱۳۸۵ ه.ش) از قرآن‌پژوهان معاصر و برجسته شیعی می‌باشد که به‌ویژه با تألیف کتاب گرانقدر «التمهید» در حوزه علوم قرآنی و ارائه نظریات بدیع شناخته شده است. وی بر پایه سه منبع اصلی مورد استفاده خود، یعنی قرآن، تألیفات حدیثی و اسناد تاریخی، بر آن است تا گره‌های موجود در مفاهیم قرآنی را با محوریت آیات باز نماید. مرحوم معرفت با توجه به سابقه علمی خود در این زمینه، تلاش دارد به ارائه پیشنهادات بدیع و مستدل در مصادیق مختلف علوم قرآنی پردازد. در این مقاله بر زمینه‌های تدوین نظریات علوم قرآنی آیت الله معرفت و به‌طور خاص، بر ابعاد تاریخی، کلامی، عصری-اجتماعی مورد نظر ایشان تمرکز نموده و در پی آن هستیم که نشان دهیم رویکردهای «حفظ تراث»، «نوآورانه»، «شبهه‌شناسانه و پاسخ‌گویانه» و «وحدت‌گرایی» در مطالعات و آرای قرآنی وی نقشی بسزا داشته است. نوشتار حاضر با بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نظرات قرآنی مرحوم معرفت از محیط، مکتب، منابع و فضای حاکم بر اجتماع نتیجه‌گیری نموده که به میزان اثرپذیری مرحوم معرفت از بسترهای مذکور و اثرگذاری بر جریان‌های عصری غالب، رویکردهای متفاوتی از جانب ایشان اتخاذ شده است.

## کلیدواژه‌ها:

وحدت‌گرایی / آیت الله معرفت / التمهید / نسخ / مطالعات قرآنی

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2021.59808.3128

e.jamshidi@yahoo.com

sattar@kashanu.ac.ir

m.qasempour@atu.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان

۲- استادیار دانشگاه کاشان

۳- استاد دانشگاه علامه طباطبایی



## ۱. طرح مسأله

فرایند علوم قرآنی از نقطه آغازین تا عصر حاضر از جهت تبویب و چینش مطالب، تعمیق محتوا و گسترش آن هرچند همانند سایر علوم سیر تکاملی داشته است، ولی شاهد تفاوت معناداری از جهت روش و محتوا نیستیم. از آنجا که شکل‌گیری هر تفکر و رویکردی در خلاً ممکن نیست، هر یک از صاحب‌نظران علوم قرآنی به اقتضای شرایط خود، با رویکردی خاص به بررسی مباحث علوم قرآن پرداخته‌اند. غالباً زمینه هم در انتخاب رویکرد مؤثر است.

آیت الله معرفت، قرآن‌پژوه معاصر ایران با تدوین مجموعه ۱۰ جلدی *التمهید*، تحول و نقطه عطفی در مطالعات قرآنی، به‌خصوص در دوران جدید به‌وجود آورد؛ گرچه سده‌های پیش از وی کسانی مانند زرکشی (م ۷۴۵ق) و سیوطی (م ۹۱۱ق) با فراهم آوردن آثاری نظیر *البرهان فی علوم القرآن* و *الاتقان فی علوم القرآن* گام‌های استواری را در نهادینه کردن دانش‌های پیرامونی قرآن برداشتند. از آنجا که از یک طرف علاوه بر علوم مرسوم، علوم متناسب با زمان برای فهم قرآن لازم بوده و از دیگر سو، دانش‌های مرسوم که آنها به آن پرداخته‌اند، امروزه ابعاد دیگری برای واکاوی آنها وجود دارد، مؤلف *التمهید* نسبت به این دو دریغ نورزیده است. خدمات شایسته این عالم عرصه دانش‌های قرآنی در پردازش و تبیین آثار خود، متأثر از شرایط تاریخی، اجتماعی و کلامی، منجر به رویکردهای خاصی از ایشان شده که آن را از دیگران متمایز می‌سازد. این نوشتار با بهره‌بردن از سه اثر شناخته شده آن استاد، یعنی «*التمهید*»؛ «*التفسیر الاثری*» و «*صیانه القرآن من التحریف*»، کوشش کرده خاستگاه این نویسنده بزرگ را از تأثیرپذیری از محیط علمی تا تتبع و تدقیق در ایده‌های کهن و پاسخ به شبهات زمانه، با محوریت چهار رویکرد بررسی و تحلیل کند. نخست رویکردی که با عنوان «حفظ تراث» از آن نام می‌بریم. رویکرد دیگر، رویکردی است «نوآورانه» که در اعجاز بیانی و تأویل و نسخ پژوهشگر معاصر ما کاملاً برجسته می‌نماید، و سرانجام رویکرد «وحدت‌گرایی» و «شبهه‌شناسانه و پاسخ‌گویانه»، به‌ویژه به نسل جدید علاقه‌مند به حوزه مطالعات قرآنی.

## ۱-۱. اهمیت مسأله

بررسی رویکرد مرحوم معرفت در موضوعات قرآنی از چند بعد دارای اهمیت است. نخست اینکه سابقه مطالعات و تحقیق‌های تاریخی وی در نگاه او به مسائل قرآنی و کیفیت تبیین آن تأثیرگذار است.

دوم اینکه پایه‌گذاری روش قرآنی او بر محور روایات، خصوصیت دیگری است که منجر می‌شود بسیاری از آیات را متفاوت با ایده‌های دیگران تفسیر کند.

سوم اینکه روش ایشان، برخلاف بسیاری از قرآن‌پژوهان، از چند جهت متمایز است. نخست: به روش میانه‌ای بین دو روش نقل و تحلیل پرداخته است. برای مثال در بحث تقدم و تأخر واحدهای نزول نسبت به یکدیگر، وی می‌نویسد: «پس از آغاز نزول هر سوره تا پایان آن، سوره دیگری نازل نشده است.» (معرفت، ۱۳۸۲: ۶۲) طبیعتاً طبق این مبنا، روایات دال بر نزول متداخل سوره‌ها و استثنا شدن برخی از آیات قابل پذیرش نیست. دوم: با رویکرد تقریبی با تأکید بر منابع و میراث مشترک فریقین جهت تعامل سازنده، به ارزیابی آیات توجه نموده است. برای مثال در توضیح ذکر «آمین» با استناد به منابع مختلف و از جمله روایات نقل شده در کتب متقدم فریقین، تلاش می‌کند تا مقدمات ورود به تفسیر را از دیدگاه شیعه و سنی به نحوی شایسته و بایسته مورد بررسی قرار داده و به حقایق تفسیری دست یابد. (همو، ۱۴۲۹ «الف»: ۴۰۴/۱) سوم: با تکیه بر قراین داخلی قرآن، تلاش می‌کند تا از زوایای مختلف آیات مربوطه، مبانی را به دست آورد. برای مثال اعتقاد او به پیوستگی آیات هر سوره؛ وی تأکید دارد که هر سوره دارای یک جامعیت واحدی است که با آنکه پراکندگی در نزول، عدم تناسب را اقتضا می‌کند، وحدت سیاق در هر سوره به خوبی مشهود است و مسأله اعجاز نیز در همین نکته است. (همو، ۱۳۸۱: ۴۰۵) توجه وی به ارتباط آیات سوره بقره، شاهد این مدعاست. (همو، ۱۳۷۳: ۴۰) چهارم: به تبیین خلأهای مباحث قرآنی پردازد و با توجه به مباحث جدید در عرصه علوم قرآنی، به تحلیل‌های درستی دست یابد. برای مثال، ایشان حقیقتی غیر از الفاظ برای کتاب کنونی قائل نیست و در حل تناقض میان شب مبعث به‌عنوان شب آغاز نزول قرآن، و شب قدر -به تصریح آیات- به‌عنوان شب نزول قرآن، معتقد است آغاز نزول رسمی قرآن در شب قدر است و آنچه در شب مبعث اتفاق افتاده، برای اعلام آغاز رسالت بوده است. (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۱۴۱/۱) روشمند



بودن کار وی در این خصوص، نکته‌ای است در خور تأمل، که زمینه انجام تحقیق حاضر را فراهم کرده است.

## ۲. زمینه‌های شکل‌گیری رویکرد مطالعات قرآنی آیت‌الله معرفت

هر یک از پژوهشگران علوم قرآنی متأثر از بسترهایی که در آن رشد کرده‌اند، رویکردهای خاصی را در تبیین مسائل علوم قرآنی و معارف قرآنی اتخاذ نموده‌اند. بستر زمانی و مکانی، صبغه تاریخی-روایی با محوریت آیات قرآن و نگاه تقریبی مرحوم معرفت نیز در عصر حاضر، این زمینه را فراهم نمود که ایشان برخلاف بسیاری از قرآن‌پژوهان، تنها به روایات تاریخی استناد نکنند و مطالعات خود را در رویکردی متمایز بنا نهد. رویکردهای نویسنده/تمهید در این زمینه در موارد زیر نامبردار است.

### ۲-۱. رویکرد حفظ تراث

بررسی و مطالعه تحقیقات علوم قرآنی که توسط عالمان گذشته، نظیر بدرالدین زرکشی و جلال‌الدین سیوطی صورت پذیرفته، بیانگر ادامه سنت مطالعاتی قرآن‌شناسان و مفسران پیش از سده‌های هفتم و هشتم هجری است. سنت خوب تدوین مطالب مربوط به دانش‌هایی که آگاهی از آنها می‌تواند به فهم بهتر قرآن منجر شود، پس از عصر تدوین تفسیر به‌وسیله مفسران و عالمان قرآن‌پژوه، در قالب تفاسیر و یا به‌صورت تک‌نگاری‌هایی انجام گرفت و در ادامه آن در قرن هشتم، قرآن‌پژوه صاحب‌نام، یعنی زرکشی، اثری دایره‌المعارف‌گونه در حوزه علوم قرآن تدوین کرد که در نوع خود، این اثر در عرصه تفسیر و علوم پیرامونی آن گام مهمی به‌شمار آمد. این تلاش بعدها الهام‌بخش عالمی دیگر - یعنی جلال‌الدین سیوطی - گردید که با نوشتن کتاب *الإتقان فی علوم القرآن* و البته با بسط بیشتری نسبت به *البرهان زرکشی*، سطح و عمق دانش‌های قرآنی را برجسته‌تر ساخت. امروزه این دو اثر البته در کنار آثار دیگری مانند *مناهل العرفان زرقانی*، تألیفات ماندگاری شدند که همواره محل مراجعه محققان است.

با این حال پرسش مهم و قابل طرح این است که آیا مباحث و پژوهش عالمان پیشین در عرصه‌های یادشده خط پایان این تحقیقات است؟ بی‌گمان چنین نیست. نصر حامد ابوزید در این زمینه گفته است: «... کوشش پیشینیان نظیر زرکشی در *البرهان* و سیوطی در *الإتقان* تلاشی در جهت حفظ و نگهداری سرمایه و حافظه فکری و فرهنگی تمدن

اسلامی بوده است که با وجود ارزش فرهنگی خود، بر پایه نوعی تصور دینی از متن قرآن صورت پذیرفته است...» از نظر ابوزید، این کوشش‌ها، ساخته گرایش‌های ارتجاعی در فرهنگ عربی- اسلامی است. به باور این پژوهشگر، عالمانی مانند زرکشی و سیوطی، متن قرآنی را از بافت جریان‌های عینی و تاریخی خود جدا کردند و در نتیجه قرآن را از سرشت حقیقی‌اش به‌عنوان یک متن زبانی و محصول فرهنگی و تاریخی خود دور ساختند. (ابوزید، ۱۳۸۰: ۵۰) البته راقم این سطور با این دیدگاه چندان موافق نیست و نقد این دیدگاه مجال فراتر از این نوشتار می‌طلبد، اما این تصور که مطالعه یک متن مانند قرآن باید با در نظر گرفتن افق‌های تاریخی و فرهنگی صورت گیرد و یا اینکه در مطالعه متن و در پژوهش‌های قرآنی، بستر نزول قرآن مد نظر قرار گیرد، سخنی درست است. از این رو ما بر این باوریم که آثاری که در زمینه علوم قرآنی در گذشته رقم خورده، شرط لازم برای فهم قرآن است، اما شرط کافی نیست و همچنان جهان تشیع تا قرن حاضر، چشم به راه تدوین آثار و نظریاتی جامع و جدید در این زمینه بود.

با وجود التزام به دست‌آوردهای گذشتگان که از لوازم پژوهش در عصر حیات مرحوم معرفت بوده است (صیری، ۱۳۸۷: ۳۸۴/۱)، در بسیاری از موارد در پژوهش‌های قرآنی خود تلاش کرده با چیدمان و نوع پردازش جدیدی که از مباحث گذشته به‌دست داده است، آن میراث سترگ گذشته و سنتی را حفظ کند؛ زیرا ابعاد بسیاری از این دانش‌ها ریشه در سنت و روایات دینی مسلمانان دارد که باید برای نسل امروز مدلل گردد. بنابراین مباحث این قرآن‌پژوه ریشه در سنت قرآن‌پژوهی پیشینیان دارد. می‌توان گفت بیشتر مباحث او در حوزه تاریخ قرآن، اعجاز، ناسخ و منسوخ، وحی و سبب نزول و مباحثی از این نوع از زمره مطالعات و تحقیقات سنتی در علوم قرآن بوده که در حکم مبادی و مبانی اولیه تحقیقات وی محسوب می‌شود. شاید بتوان با یک مثال این رویکرد حفظ را بهتر توضیح داد.

بررسی مقایسه‌ای *التبیان* شیخ طوسی و *مجمع البیان* طبرسی را در نظر بگیریم. نوع مطالب تفسیری این دو مفسر به لحاظ محتوایی و درون‌مایه یکسان بوده و در واقع از یک آبشخور است، جز فضل تقدم که از آن شیخ طوسی است. فضل بن حسن طبرسی با یک نظم و دسته‌بندی جدیدی وارد مباحث تفسیری شده است؛ به‌گونه‌ای که تفسیرش را از مزیتی خاص برخوردار ساخته است. کار مرحوم معرفت در مقایسه با گذشتگان از این منظر چنین است. وی کوشش کرده مباحث بنیادین در حوزه علوم



قرآنی را البته با ساختاری جدید مطرح کند. برای نمونه در مبحث وحی، نخست معنا و مفهوم آن در لغت و قرآن را مشخص می‌سازد، سپس اجزای آن، یعنی مسائلی از قبیل اقسام وحی رسالی، امکان وحی، روحانیت انسان، کیفیت نزول آن و ... را تبیین می‌کند و از اطلاعات حاصل شده، وحی را معرفی می‌نماید. (معرفت، ۱۴۲۹ «ب»: ۶۷/۱-۱۳۱) تفاوت‌های قرآن‌پژوهی او با کارهای قبلی از زوایای دیگری است که در ادامه مقاله به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۲. رویکرد نوآورانه

در این مقاله به سه نظریه از مهم‌ترین نظرات بدیع مرحوم معرفت در عرصه قرآن‌پژوهی پرداخته می‌شود. دو عاملی که در شکل‌گیری ابداعات قرآنی مؤلف التمهید مؤثر است: الف) نظام فکری متفاوت کل‌نگر را در مقابل نظامی موردی گذشتگان برمی‌گزیند.

## ۲-۲-۱. اعجاز بیانی

با توجه به اینکه مرحوم معرفت گسترده‌ترین وجه از وجوه را اعجاز بیانی دانسته و با ژرف‌اندیشی در ساختار لفظی و معنایی قرآن و با کمک قواعد ادبی، به دوازده بخش فصاحت و بلاغت بی‌نظیر در گزینش کلمات، بیان بدیع، اسلوب و سبک جدید، نظم‌آهنگ بی‌نظیر آن، استعمال آن بر معارف ناب و ... توجه دارد،<sup>۱</sup> از این رو وی قرآن را مجموعه‌ای از الفاظ و معانی که در یک نظام زبانی ویژه عرضه شده، می‌بیند و راه فهم اعجاز آن را پژوهش در الفاظ و ظرافت‌های بلاغی و مدالیل آیات، در چارچوب نظام فرهنگی که در آن ظهور یافته است، می‌داند. گرچه در مسأله اعجاز، تأخر زمانی از دیگران و تسلط بر آرای دانشمندان متقدم و متأخر، او را در موقعیت بهتری قرار داده، اما نگاه فراتر از توصیفی او، نشان از تخصص در دانش مربوطه است؛ چراکه اگر انسان به معانی قرآن و به زبان عربی و فن فصاحت و بلاغت آشنا بشود، آن وقت واقعاً لطف تعبیرات قرآن را درک می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۲: ۵۶۹)

وی متأثر از استاد خود مرحوم خویی، با ذهنی اصولی، ضمن قبول کلیات، نظر استنباطی خود را با رویکردی انتقادی متمایز می‌سازد. برای مثال به‌طور مشخص از ملاحظات علمی وی در باب تناسب، مبنی بر اینکه چون ترتیب فعلی قرآن به ترتیب نزول

نیست، دیدگاه قائلان به تناسب سور، از جمله محمدتقی شریعتی را نقد می‌کند. (معرفت، ۱۴۲۹ «ب»: ۵: ۳۳۰) از این رو نظام فکری اصولی و تسلط مرحوم معرفت بر زبان عربی، در گرایش‌های او به برخی آراء، مثل اعجاز ادبی و امثال آن نیز مؤثر بوده است.

### ۲-۲-۲. نظریه بطن

مرحوم معرفت به جهت دوری از تکرار مکررات، نظام فکری خود را بر این اساس که پیام آیات دستوری عام و فراتر از مورد تنزیل است، پی‌ریزی می‌کند. استخراج مفهوم کلی و گسترده‌ای که در پس پرده ظاهر قرآن نهفته است و تطبیق آن بر مصادیق جدید، تأویل یا همان معنای بطنی نام دارد. نقطه اوج ابتکار نظریه بطن، جمع میان روایات ظاهر و بطن و جری و انطباق با جامعیت و جاودانگی قرآن است که با پذیرش شمول معنای بطنی آیات، تا همیشه می‌توان پیام قرآن را به همگان رسانید. از آنجا که دستاوردهای هریک از مسائل علوم قرآنی نقش مهمی را در بهره‌گیری از آیات ایفا می‌کند، دانستن تأویل را منحصر به ائمه نمی‌داند و معتقد است مفسران نیز با توجه به تعلیمات ائمه و با ارجاع آیات متشابه به محکومات، شرایط کشف پیام‌های عام و کلی قرآن را پیدا کرده، خود به تأویل آیات اهتمام می‌ورزند. از دیگر نوآوری‌های استاد، ضمن تعریف تأویل به معنای دفع شبهات (باطن آیات) و تفسیر به معنای رفع ابهامات (ظاهر آیات)، تقسیم تشابه به دو دسته اصلی و عرضی و غیرتوقیفی بودن این هر دو مقوله است؛ زیرا تفکیک تشابه اصلی از عرضی، پندار متشابه بودن ذاتی برخی از آیات را که در اثر برداشت‌های مختلف بشر بر قرآن تحمیل شده است، منتفی می‌سازد. (معرفت، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

### ۲-۲-۳. نسخ تدریجی

با توجه به پیوستگی مطالب علوم قرآنی که هریک جزئی از یک مجموعه به هم پیوسته هستند، شمول استخراج معنای بطنی را در آیات نسخ نیز قابل تعمیم می‌بیند؛ به این معنا که شمول احکام ثابت و متغیر قرآن، چارچوب‌های نسخ آیات را شکل می‌دهند و افزون بر نقش جهت‌دهی سیر تدریجی تشریح، باعث تربیت و تکامل تدریجی انسان به سمت اهداف تربیتی هستند. (معرفت، ۱۳۸۷: ۱۶۴ و ۲۶۹؛ همو، ۱۴۲۹ «الف»: ۲/۲۶۳) در این کلی‌نگری - که به حل نارسایی‌های آثار مسبوق در مبحث نسخ کمک می‌نماید - علت عمده اشکالات مطرح‌شده، زیربنای مفروضاتی است که بر



اساس اعتماد به روایات صحیح به صرف سند و مصلحت‌سازی‌هایی که با اشکالات مختلف متزلزل می‌شود، چیده شده است.

ب) عامل دیگر، توانمندی‌های فقهی نوگرایی در کنار سنت‌گرایی است. استاد معرفت در جوانی در کربلا با همکاری در نگارش ماهنامه «أجوبة المسائل الدینیة» با جریان نواندیش ارتباط داشت (نصیری، ۱۳۸۷: ۶۱/۱) و بعد از سال‌ها تتبع علمی و با ذهنی تحلیل‌گر، اهتمام به نوآوری نمود. وی به‌عنوان یک فقیه، با درک ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن و شناخت آیات مرتبط به هم و شرایط متغیر و تدریجی مسلمانان، اقدام به بازبینی و تعمیق جریان نسخ نمود. مرحوم معرفت توجه ویژه‌ای به سبک و مبانی آیت‌الله خویی داشته است. برای مثال در نظریه نسخ متأثر از استاد، وجود آیات منسوخ به معنای رایج را رد کرد (معرفت، ۱۴۲۹ «ب»: ۲۶۸/۲)، اما برخلاف استاد که همه موارد نسخ را رد نمود و فقط یک مورد آیه نجوا را باقی گذاشت (خویی، بی‌تا: ۳۷۵)، با وجود منطقی دانستن استدلال‌های استاد، این همه موارد را نمی‌توان نسخ نامید و تعریف جدیدی از نسخ ارائه می‌دهد (معرفت، ۱۴۲۹ «ب»: ۲۸۶/۲) که در حقیقت نظریه‌اش تکامل یافته نظریه استاد است. مراجعه منضبط وی در این خصوص به روایات بسیار امامیه (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲۸۳/۱ و ۲۸۴؛ ۲۶۵/۲، ۲۶۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹ و ...) و صحابه، به این نکته منتج می‌شود که معنای روایات ساده‌تر از تعریف‌های کنونی است و نسخ آیات، به معنای فهمیده شده نیست که با استفاده از قرینه سیاق، در برخورد با انواع روایات، ثابت می‌گردد. (همو، ۱۳۹۰: ۱۱۹) در این فرایند، وی ابتدا این پدیده را تنها در هشت مورد از آیات قرآن قابل بررسی دانست (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۳۱۵/۲؛ همو، ۱۳۷۴: ۱۰۷)، در طول سی سال به‌طور مداوم ایده خود را تنقیح کرد، در پذیرش وقوع نسخ در قرآن تشکیک نمود و در نهایت در تفسیر الأثری (همو، ۱۴۲۹ «الف»: ۵۰۴/۳) و دیدگاهی شفاهی، هم‌افق با استاد، منکر وقوع نسخ در قرآن شد و چنین بیان کرد: «چون شرط نسخ آن است که بین ناسخ و منسوخ تهافت باشد، در حالی که خود قرآن اختلاف بین آیات را نفی می‌کند. منظور روایات از ناسخ و منسوخ تخصیص و تقیید است؛ حکم آیه نجوی نیز حکومتی بوده و به شرایط خاصی مرتبط می‌شده و ربطی به ناسخ و منسوخ ندارد.» (معرفت، ۱۳۸۳: ۶۵)



## ۲-۲-۳-۱. نسخ مشروط و نسخ تمهیدی

عنوان «نسخ مشروط» گرچه جدید است، اما محتوای آن در آثار پیشینان مشاهده می‌شود. زرکشی این مطلب را با عنوان «نَسَأُ» و «مُنَسَأُ» یاد کرده است. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۲) سیوطی نیز از آن با عنوان «منسأ» یاد می‌کند. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۶۴۹) دانشمندان معاصر چون صبحی صالح (صالح، ۱۹۹۰: ۲۶۹)، عبدالکریم خطیب (خطیب، بی‌تا: ۱۲۵/۱) و نصر حامد ابوزید (ابوزید، ۲۰۱۴: ۱۲۳) نیز این گونه از نسخی را پذیرفته‌اند. هبة‌الدین شهرستانی نیز پس از تفصیل ادله انکار نسخ، در نهایت می‌گوید: «آیات قرآن متناسب با موارد و حالات مختلف نازل شده است، اگر مراد از ناسخ و منسوخ این باشد، ما آن را می‌پذیریم.» (شهرستانی، ۱۳۷۰: ۳۰) به نظر، بیشتر منکران نسخ در توجیه آیات مدعی نسخ، همین توجیه را مطرح نموده‌اند.

نسخ مشروط اصطلاحی نوپیدا است که مرحوم معرفت در آخرین آثار خود آن را مطرح نمود و گاهی آن را با نسخ تدریجی یکسان می‌داند. (معرفت، ۱۳۸۳: ۶۹) مقصود از نسخ مشروط این است که با تغییر شرایط، حکم اولیه نسخ شود، ولی با اعاده شرایط گذشته، حکم منسوخ قابل بازگشت است. این تعریف از نسخ مطابق با اصطلاح مشهور نیست، بلکه احکام متعددی است که هر یک به شرایط خاصی بستگی دارد و تغییر حکم با تغییر شرایط، نسخ شمرده نمی‌شود. به عبارت ساده، صرفاً تغییر موضوع است که حکم آن نیز تغییر می‌کند. (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲۵۶/۲ و ۲۸۵) نظریه نسخ مشروط بر این نکته تأکید دارد که هیچ آیه‌ای از قرآن به تاریخ ملحق نشده است، بلکه همانند خورشید و ماه برای همیشه در حال جریان خواهد ماند و هرگاه موضوع یکی از این احکام محقق شود، آن حکم نیز به اجرا در خواهد آمد.

نسخ تمهیدی که علامه معرفت در برخی آثار خود آن را مطرح کرده (همو، ۱۴۲۳: ۱۵۷) و گاهی از آن به «نسخ متدرج» یاد کرده است (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲۸۶/۲)، شاید به جهت بدیع بودن به‌طور کامل درک نشده و سؤالات زیادی را در ذهن افراد ایجاد نموده است. در هر صورت نسخ تمهیدی را می‌توان به این گونه تقریر کرد که قرآن کریم، برخی عادات ریشه‌دار و نهادینه‌شده در فرهنگ عمومی را به‌صورت صریح و یکباره نسخ نمود، و برعکس به ظاهر آن را پذیرفت و در عین حال، به طراحی مدلی دست زد که طی یک فرایند حساب‌شده، با ایجاد زمینه‌ها و اسباب و شرایط جدید، اوضاع به‌گونه‌ای رقم خورد که آن عادت، بدون هیچ گونه تشنج و پژواک نامطلوبی،



خود به خود نسخ گشته و با دگرگونی در هویت، با فرهنگ آرمانی قرآن هماهنگ گردد. به عبارت دیگر، این عادات شاید به صراحت نسخ نشد، اما با تغییر هدفمند اوضاع، تحولی در مفهوم آن به وجود آمد و ظاهر نامطلوب آن به تدریج از جامعه اسلامی رخت بریست و منسوخ شد و حقیقت مطلوبی که در پس آن قرار داشت، نمایان گشت. (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲/۲۸۶)

مثالی که ایشان برای نسخ تدریجی آورده‌اند، حکم ضرب زنان ناشزه (نساء: ۳۴) است. قرآن کریم در این مورد از واژه «ضرب» استفاده می‌کند تا با فرهنگ خشن باقی‌مانده از زمان جاهلی تنافی نداشته باشد و در عین حال، قیود و شرایط متعددی قرار داده و دایره آن را تضییق نموده است. اما کار به همین جا ختم نشد، بلکه روایات تبیینی و تفسیری که پیرامون این مسأله وارد شده است (مجلسی، بی تا: ۵۸/۱۰۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۵۲۰)، به مسلمانان آموخت که مراد از ضرب، معنای ظاهری خشن آن نیست که باعث ألم و آسیب می‌گردد، بلکه برخوردی غیر مؤلمانه است. پیامبر و اهل بیتش با رفتار عملی خود که به توصیف قرآن اسوه حسنه است؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، کار را به جایی رساندند که این عادت به کلی از میان مسلمانان رخت بریست. بدین ترتیب گرچه ظاهر اولیه آیه توسط سنت نسخ شد، اما نه به مثابه نسخ معمول که نسخ به صراحت مفاد آیه منسوخ را نسخ می‌نماید، بلکه سنت تهمیداتی فراهم آورد که ظاهر آیه و نه حقیقت آن، به نحو غیر مستقیم نسخ گشته و برای همه نمایان شود که مراد حقیقی شارع از ضرب، برخوردی است که با مؤلفه‌های تمدنی اسلام هماهنگ باشد، نه آنچه ناآشنایان با تمدن نوپای اسلامی، از ظاهر آن برداشت می‌نمودند. (معرفت، ۱۴۲۳: ۱۴۹-۱۶۲؛ همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲/۲۸۶-۲۸۹)

نمونه دیگر قانون برده‌گیری است که با منوالی مشابه به نسخ کشیده شده است. (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲/۲۸۹) فحوای نسخ تدریجی این قانون را در کلام سید قطب (سیدبن قطب، ۱۴۱۲: ۱/۲۳۰) و علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/۳۴۷) و مصطفی زلمی (زلمی، ۱۳۹۳: ۲۳) نیز می‌توان یافت.

دکتر مصطفی زید با نگرش تاریخی به تعاریف نسخ از قرن چهارم تا معاصر، سه مکتب را بدین گونه برشمرده است. مکتب «بیان» که نسخ را انتهای زمان حکم اول یا بیان مدت انتهای حکم اول می‌داند. مکتب «خطاب» که عبارت است از خطابی که بعد از خطاب اول می‌آید و دلالت می‌کند بر از بین رفتن حکمی که خطاب اول ثابت شده؛

به گونه‌ای که اگر خطاب دوم نبود، حکم سابق با خطاب اول همچنان باقی بود. (غزالی، بی‌تا: ۳۵/۲) و نیز مکتب «رفع». وی بر هر یک از این مکاتب اشکالاتی را وارد کرده است. از جمله تعریف نسخ به خطاب و رفع در واقع تعریف ناسخ است، نه خود نسخ. وی در بررسی نهایی خود، مکتب رفع با تعریف «رفع حکم شرعی به دلیل حکم شرعی»<sup>۲</sup> را با اشکال نسخ به دلیل خود تعریف شده نه به حقیقت خود، برگزیده است. (زید، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۸۱)

از آنجا که مرحوم معرفت این نظریه را پس از انکار نسخ مطلق در قرآن مطرح کرد و قائل است که نسخ تدریجی در حقیقت نسخ نیست، بنابراین رفع کامل حکم منسوخ در این نوع نسخ اصلاً وجود ندارد. از این رو بهتر است در تعریف نسخ تدریجی به جای «رفع و تغییر تدریجی حکم سابق» (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۶) که منسوب به مکتب رفع است، از «تعلیق تدریجی (مشروط) و تحول تدریجی (تمهیدی) حکم سابق» استفاده شود تا نشان‌دهنده رفع موقتی احکام منسوخ و تمایز اساسی آن با نسخ مطلق شود و شامل هیچ یک از اشکالات مذکور مکاتب سه‌گانه نگردد.

نکته قابل توجه اینکه نسخ مشروط و تمهیدی وجه جمعی میان نظریه احکام آیات (معرفت، ۱۳۸۱: ۲۷۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۹/۱۰) و نظریه وجود نسخ در قرآن به وجود آورده است. با توجه به اینکه نظریه احکام تمام و یا اکثریت قریب به اتفاق آیات امروزه مورد اتفاق دانشمندان قرار گرفته است، مخالفت با آن امری بس دشوار و چه بسا بی‌سرانجام باشد. در طرف مقابل، وجود تأکیدات فراوان در لسان سلف، به‌ویژه اهل بیت عصمت که نشان از وجود حجم تأثیرگذاری از آیات منسوخه دارد، نیز قابل چشم‌پوشی نیست. بنابراین گریزی از پذیرش هر دو نظریه نیست.

مشهورترین وجه جمعی که ذکر می‌شود، حمل نسخ در لسان سلف بر تقیید و تخصیص و امثال آن است، اما روایات متعدد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰/۹۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۲/۱؛ مولایی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۷) حقیقت مستقلی برای نسخ می‌شناسد که با تخصیص و امثال تغایر مفهوم دارد. پس این وجه جمع گرچه در برخی موارد به‌ویژه پیرامون لسان دانشمندان عامه کارگشاست، اما در برخی موارد به‌ویژه آنچه در روایات اهل بیت آمده، کارایی ندارد، اما حمل این روایات بر نسخ مشروط و تدریجی ممکن است. بنابراین اگر نسخ مشروط و تمهیدی به‌عنوان وجه جمع نوینی پذیرفته شده به وجه جمع پیشین ضمیمه شود، شاهد رفع کامل تعارض میان دو نظریه فوق خواهیم بود. از این رو در این



نظریه، مرحوم معرفت با راهکاری بدیع، جنبه‌های عدم انکار نسخ و زمان‌مند نبودن آیات منسوخ (جاودانگی) و احکام تمامی آیات را دنبال می‌کند. از آنجا که تاکنون تألیف مستقل و درخوری که این هر سه را پوشش دهد، تحریر نشده و در این زمینه تاکنون مطالعه روشمند و جدی صورت نگرفته است، می‌توان رویکرد وی در موضوع نسخ را شیوه‌ای نو محسوب کرد که با تعمیق محتوا و گسترش آن، راه‌گشای محققان در تبیین هر چه بهتر مسأله نسخ شده است.

### ۲-۳. رویکرد وحدت‌گرایانه

از شواهد آشکار رویکرد وحدت‌گرایانه مرحوم معرفت، آوردن عنوان «الجامع»، استناد به سخن صحابه، استناد به تابعان، نظر به تفاسیر اهل سنت و جوامع حدیثی آنان و ... در تفسیر اوست.

عنوان الجامع در کتاب «التفسیر الاثری الجامع» نشان از آن دارد که مؤلف این تفسیر، هم به احادیث شیعه و هم به روایات اهل سنت در تفسیر اهتمام داشته و آنها را جمع‌آوری و بر اساس آن، آیات الهی را مورد تفسیر قرار داده است. به بیان دیگر، مفسر در این تفسیر به منابع فریقین توجه کامل داشته و احادیث پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم‌السلام و برخی صحابه و تابعان را در آنها مورد توجه قرار داده و نوعی تفسیر مقارنه‌ای و تطبیقی و تقریبی ارائه کرده است. چنین رویکردی ریشه در نگاه خاص و مبانی حدیثی وی داشته است. وی بر این باور بوده که احادیث صحیح هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت وجود دارد و باید از آن در تفسیر قرآن استفاده کرد، همان‌گونه که معتقد بوده احادیث ضعیف<sup>۳</sup> در منابع روایی فریقین وجود داشته که باید از آن پرهیز کرد. (معرفت، ۱۴۲۹ «الف»: ۱/۱۳۴-۱۴۱)

«التفسیر الاثری الجامع» مقدمه‌ای نسبتاً جامع و مفصل در علوم قرآنی دارد که مباحث مهمی در آن، نظیر فضایل قرآن، تفسیر و تأویل، زبان قرآن، تفسیر به‌رأی، حجیت ظواهر قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن، تفسیر اثری در دوره صحابه و تابعان، و سرانجام آسیب‌شناسی آفات تفسیر در آن آمده است. بررسی دقیق این مطالب در مقدمه به‌خوبی نشان دهنده رویکرد وحدت‌گرایانه استاد معرفت است.

الف) برای نمونه در مورد استناد به سخن صحابه، در بحث «التفسیر فی مراحل التکوین»، ضمن استناد به این گفته ابن مسعود که «هرگاه یکی از ما، ده آیه را یاد می‌گرفت، تا زمانی که معانی آن آیات را فرا نمی‌گرفت و بدان عمل نمی‌کرد، از آن نمی‌گذشت»، آن

را چنین توضیح می‌دهد: «مراد از عمل در اینجا، همان فرایند استنباط و چگونگی استخراج فروع از اصول است. بنابراین حضرت راه کاوش و تحقیق در دین خدا را به اصحابش می‌آموخت و آنان را به ترتیل و تفسیر، هر دو، ره می‌نمود.» مرحوم معرفت در ادامه سخن خود، بزرگان صحابه و برگزیدگان تابعان و عترت پاک پیامبر را از جمله کسانی می‌داند که مصداق این عمل یادشده می‌باشند. او می‌گوید: «بزرگان اصحاب و برگزیدگان تابعی و نخبگان عترت پاک او شیوه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ادامه دادند. آنان پیشوای مردم بودند و کتاب، حکمت و فصل الخطاب را به آنان می‌آموختند.» (معرفت، ۱۳۹۰: ۳/۱)

ب) برای مثال در مورد تابعان، در مورد عکرمه، در بیشتر کتب رجال شیعه ذم (کشی، ۱۴۰۴: ۴۷۸/۲؛ برقی، ۱۳۴۲: ۴۷۸/۲؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۵۰۳/۴؛ حلی، ۱۳۸۱: ۳۲۸؛ تفرشی، ۱۳۷۷: ۲۱۰/۳؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۲۳۶/۷)، و در اغلب کتب تراجم سنی مدح به چشم می‌خورد. (عسقلانی، ۱۳۲۵: ۲۶۶/۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۹۴/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۷۶/۴۱) مرحوم معرفت درباره عکرمه نظر خاصی دارد که قابل توجه است: «عکرمه‌بن خالد بربری ابوعبدالله مدنی (۵۱۰ ه. ق) غلام ابن عباس، از چهره‌های بارز مکتب تفسیری مکه است.» (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۸۸/۱ و ۳۱۷). ایشان پس از ذکر حدود بیست روایت در منقبت وی می‌نویسد: «این همه گواهی فراوان درباره این مرد که او را در اوج قله فضیلت و دانش و اعتماد در نزد اهل فن نشانده است، تمامی اوهام و دروغ‌هایی را که درباره او گفته‌اند باطل می‌سازد؛ زیرا این سخنان با شخصیت او که پرورش‌یافته مکتب ابن عباس و مورد عنایت ویژه او بوده است، سازگاری ندارد.» (همان، ۳۱۹ و ۳۲۱)

ج) نگاهی ساده به منابع تفسیری و حدیثی و مصادر رجالی وی نیز این رویکرد را به‌خوبی نشان می‌دهد. (همو، ۱۴۲۹ «الف»: ۴۰۷/۱-۴۱۶) برای نمونه مرحوم معرفت به تفاسیر روایی مانند تفسیر ابن عطیه، تفسیر ابن کثیر و تفسیر قرطبی اهتمامی ویژه و اعتنایی خاص داشته که به نظر او می‌توان از مطالب آن - که از اسرائیلیات پالایش شده - استفاده کرد. (همو، ۱۳۷۹: ۱۹۱/۲، ۱۹۸ و ۲۹۵) علت مراجعه مکرر به تفسیر طبرسی را نیز، از اعتدال بیشتر این مفسر نسبت به دیگر مفسران شیعه نزد فریقین یاد می‌کند. (همان، ۲۵۸) در کنار اینها، از منابع اهل سنت به‌ویژه صحیح بخاری هم استفاده می‌کند. ظاهراً به ترتیب استفاده از کتاب‌هایی نظیر تاریخ طبری، اسد الغابه ابن اثیر، الطبقات ابن سعد، سیره ابن هشام، فتوح البلدان بلاذری، سیره حلبیه برهان الدین حلبی) و دیگر مصادر تاریخی، پس از قرآن و روایات صحاح قرار می‌گیرد. (همو،



۱۳۸۱: ۴۹۳) همچنین استاد معرفت در مبحث جمع قرآن از تلاش بدرالدین زرکشی در وفاق بین فریقین به نیکی یاد می‌کند. (همو، ۱۴۲۹ «ب»: ۲۸۷/۱)

د) توجه به اشتراکات زیاد ساختاری و محتوایی کتاب *التفسیر والمفسرون* مرحوم معرفت با کتاب *التفسیر والمفسرون* ذهبی عالم اهل سنت، نشان از توجه استاد معرفت به حسن اشتراکات و رفع افتراقاتی است که آن هم در دفاع از عقاید شیعه و نقد کج‌فهمی‌ها و فریفته‌شدن ذهبی از امثال گلدزیهر است. (همو، الف: ۱۳۷۹: ۲۳۹/۱؛ ذهبی، بی تا: ۱۰)

وی که معتقد است قرآن به‌عنوان یک منبع اصیل تاریخی و تنها ریسمانی که مایه وحدت مسلمانان است (معرفت، ۱۳۷۹ «ب»: ۹۴)، و قرآن و مباحث قرآنی، نباید محلی برای بحث‌ها و اختلافات مذهبی و کلامی باشد، معمولاً هنگام تعارض میان روایات صحاح خمسہ با سایر مراجع، بر حقایق کلامی مسلم تکیه می‌کند. (همو، ۱۳۷۴: ۲۴) ظاهراً این امر به توجه خاص معرفت نسبت به پی بردن به نظر فاقد تعصب فرقه‌ای برمی‌گردد.

این نگاه تقریبی به علوم قرآنی در عصر حاضر که در سایه ارتباط فرهنگی با جوامع علمی دیگر ضرورت بیشتری یافته است، منجر به شفافیت نقاط قوت روایات فریقین و رفع نقاط ابهام و ضعف می‌شود و رویکردی است که توجه به ضرورت‌های زمانه در جهت‌گیری قرآنی ایشان را نشان می‌دهد.

## ۲-۴. رویکرد شبهه‌شناسانه و پاسخ‌گویانه

به‌طور طبیعی محیط تحصیلی و اساتید در شکل‌گیری مسیر حرکت و دغدغه‌های هر پژوهشگری تأثیرگذار است. برای مثال، وجود انتقادهای جدی یا طرح شبهات و ... در یک مقطع تاریخی که عالمی تحصیل کرده و یا سبک فکری و دغدغه‌های اساتیدی که از آنها الگو گرفته، همگی در نوع تألیفات، سخنرانی‌ها و جهت‌گیری‌های فکری او به‌شدت تأثیر داشته است. شوق مرحوم معرفت نیز به دانستن سبب شد که از هر شرایطی به بهترین نحو ممکن بهره‌گیری کرد. از این‌رو پیوسته در حال مطالعه و بررسی آثار بزرگان اسبق علوم قرآنی بود که بعدها در جهت‌دهی ذهن و فکر او تأثیراتی غیر قابل انکار داشتند. امکان حضور مستمر و مستقیم در محضر اساتید سه حوزه بزرگ، مهم و تأثیرگذار شیعه، یعنی حوزه‌های علمیه کربلا، نجف و قم نیز نه‌تنها باعث شکوفایی استعداد او در وادی علوم قرآنی شد، بلکه زمینه و بستری شد تا با تلاش بیشتر، در تمام زمینه‌های اصول، فقه، تاریخ و تفسیر به رشدی چشمگیر نایل شود.

مرحوم معرفت به اقتضای حیات علمی خود که با رونق مباحث کلامی همراه بود، از یک سو «سعی نمود مباحث کلامی که بر روش متکلمان دوره وسطی<sup>۴</sup> است، تجدید نظر شود و به شکلی جدید و هماهنگ با اندیشه‌های امروز که افکاری سلیم و منطبق با آرای پیشینیان و مأخوذ از نصوص اهل بیت علیهم‌السلام است، مرتب گردد». (معرفت، ۱۳۷۴: ۲۲۹) و از سوی دیگر ننگاشته‌های برخی خاورشناسان و رخنه شبهات از سوی آنان نسبت به قرآن و تمام شیعه را که در صدد مشوه ساختن چهره این کتاب و مذهب بودند، وی را بر آن داشت تا دست به تألیف شود. افکار این پژوهشگر مطرح شیعی که پیش از این با اهداف کلامی - فقهی شکل گرفته بود، با بیداری و آگاهی از این خطرات، در جهت‌گیری پاسخ به شبهات تغییر شکل یافت. ایشان تصمیم خود برای نوشتن *التمهید* را پس از آن می‌گیرد که ضعف تحقیقات و آثار متأخر شیعه در عرصه علوم قرآنی را ملاحظه نموده است. (همو، ۱۳۸۱ «الف»: ۱۵) به دنبال این مسأله، تحول در مسائل قرآنی و پاسخ به نیازها و ضرورت‌های عصری جامعه، زمینه علاقه‌مندی او را بیشتر می‌نماید. از این رو به دنبال تألیف آثاری بود که بتواند عطش فکری و علمی نسل جوان را سیراب کرده، آنان را از تفکرات و عقاید انحرافی جدید حفظ نماید.

از شواهد آشکار رویکرد شبهه‌شناسانه ایشان، دقت روی عنوان کتاب «شبهات و ردود» اوست. ایشان برای شبهاتی که از روی بی‌دقتی، ناآگاهی یا غرض‌ورزی است، متناسب هر یک پاسخ می‌دهد.

#### ۱-۴-۲. نمونه‌ای از پاسخ به شبهات برخاسته از بی‌دقتی

روایات موجود در بحث از فضایل اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد از زمان صدر اسلام، معصومان و دیگر مفسران در صدد رفع شبهات و حل مسائل پیرامون این موضوع در آیات خاصی از قرآن بوده‌اند. (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۴/۱، ۱۶۲، ۱۷۰، ۲۸۲؛ ۱۹۳/۲، ۲۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۳۰/۱؛ ۲۴۰/۲، ۳۱۶، ۷۲۹؛ ۴۴۲/۴، ۸۱۵) در عصر غیبت نیز مفسران فریقین به تبیین این آیات پرداخته‌اند. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۱۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷؛ ۶۰۴/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۶/۳؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۳۴۲/۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۹/۵-۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۷-۱۸۲؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۶۷/۸-۷۹) اما معمولاً نسبت به ارتباط مضمون آنها با امتیازات اهل بیت علیهم‌السلام اتفاق نظر ندارند. در تفاسیر شیعی، مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام به صورت آشکار ترسیم شده است، درحالی که کمتر می‌توان نکات تفسیری و احادیث اثبات‌کننده فضیلت آنان را در منابع اهل سنت پیدا کرد. مرحوم معرفت که برخلاف بسیاری از مفسران



شیعی، میزان مراجعاتش به منابع اهل سنت زیاد است، از محدث نوری که به دلیل مباحث مذهبی، تلاش می‌کند تا عقاید خود را در آیات مربوط به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام القا کند و آن را با تعصب، موجه جلوه دهد، انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «منظور از این دسته روایات نه تحریف قرآن، بلکه دگرگونی در تفسیر و تحریف معنوی آیاتی است که دال بر فضیلت اهل بیت است.» (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۷۹ و ۴۷۴)

۲-۴-۲. نمونه‌ای از پاسخ به شبهات برخواسته از ناآگاهی در مورد قرآن

او در اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن و قابل فهم بودن زبان آن و در اعتقاد راسخ به این نکته که در پرتو ضابطه هم‌نشینی بطون و ظاهر (ذومراتب بودن آیات)، به حل تناقض احتمالی مربوط به آن پرداخته، متذکر می‌شود که فهم کلمات قرآن توسط مخاطبان با روشمند و ضابطه‌مند دانستن زبان عام و زبان خاص منافات ندارد. او با آگاهی از ویژگی‌های زبانی قرآن و کاربرد کنایه‌ها، امثال و سبک‌های مختلف از سوی آن، دیدگاه کسانی که قرآن را مشتمل بر کلمات و حروف اسرارآمیز و مبهم دانسته و آن را مافوق فهم مخاطبانش می‌پندارند، رد می‌کند. وی معتقد است همان‌طوری که مردم عامی و سطوح متوسط جامعه ممکن است برخی کلمات را نفهمند، اما مضمون کلی کلام یک سخنران یا نویسنده را متوجه می‌شوند. ایشان در اثبات سخن خود دلایلی می‌آورد:

- ۱- دلالت نص برخی آیات، مبنی بر اینکه قرآن به «لسان مبین» نازل شده است.
- ۲- علت تفصیل آیات قرآن، امکان تدبیر و تعقل مخاطبان در آن است.
- ۳- عدم سازگاری این سخن که قرآن مافوق مردم عصر نزول تکلم کرده، بر خلاف تصریح قرآن و حکمت است؛ زیرا حکیم این اصول را بهتر و بیشتر رعایت می‌کند؛ چون می‌خواهد به هدفش برسد. (همو، ۱۳۹۰: ۷۸)
- ۴- عدم هماهنگی با «هدیٰ للناس» بودن قرآن و نیز تناقض با امر الهی به پیروی و تبعیت از دستورات آن و تدبیر در آیاتش و امر به قرار دادن قرآن به‌عنوان مرجع و اصل در همه شؤون زندگی.

۵- وجود آیاتی در قرآن، مانند آیه ۴۴ سوره نحل: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»، آیه ۲۴ سوره محمد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»، آیه ۴ سوره ابراهیم: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ»، آیه ۵۸ سوره دخان: «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» و آیه ۲۸ سوره زمر: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ



یَتَّقُونَ». زبان قرآن همان زبان عرف عام است که مورد خطاب قرار گرفته‌اند که بدون پیچیدگی در بیان بر آنان عرضه شده است. (همو، ۱۳۸۱: ۵۳-۴۷)

۶- احادیث «عرضه روایات بر قرآن» بهترین گواه بر امکان فهم مفاهیم قرآن و دستیابی بر مبنای آن است. (همو، ۱۳۷۹: ۸۷/۱)

مرحوم معرفت در نهایت همه دلایل فوق را نشان آن می‌داند که مردم عصر نزول و همه اعصار، قطعاً سخن قرآن را درک می‌کرده و ظواهر قرآن برای همه قابل درک است. (همان، ۷۸/۱)

### ۳-۴-۲. نمونه‌ای از پاسخ به شبهات برخاسته از ناآگاهی در مورد شیعه

زرقانی، عقیده بدهاء در شیعه را از القائنات مختار می‌داند. (آرمین، ۱۳۸۵: ۷۵۳) نگاهی گذرا به روایات ائمه شیعه (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۷/۲۶۹؛ ابن بابویه، بی تا: ۴۱/۱) به روشنی اثبات می‌کند که شیعه هرگز به تغییر در علم خداوند یا عروض جهل در ذات او معتقد نیست و بدهاء در تکوین، همانند نسخ در تشریح، به معنای اظهار و آشکار ساختن فعلی از سوی خداوند است که بر بندگان مخفی بوده و شرایط و مقتضیات ظاهری آن را ایجاب کرده است. در واقع منازعه میان فریقین، منکران نسخ همچون یهود و رافضیان در اعتقاد به نظریه بدهاء، یک نزاع لفظی است که از سوء تفاهم و عدم دقت در اصل این اندیشه انحرافی است که لازمه نسخ بدهاء است. (آرمین، ۱۳۸۵: ۷۵۷) از آنجا که نسخ مطلق و بدهاء مطلق در قرآن موجب بروز شبهاتی شده است، مرحوم معرفت این چنین پاسخ می‌دهد: «نسخ در تشریح و بدهاء در تکوین، دو معنا دارند که انتساب یکی از آنها بر خداوند صحیح و دیگری ناصحیح<sup>۵</sup> است.» (معرفت، ۱۴۲۹ «ب»: ۳۶۵/۲)

### ۴-۴-۲. نمونه‌ای از پاسخ به شبهات مغرضانه

برای مثال، گلدزبهر برای بررسی دیدگاه عموم شیعه در تفسیر، دو کتاب تفسیری منسوب به شیعه را که یکی بر سبک تأویل صوفیانه (بیان السعادة فی مقامات العباده) و دیگری به روش مأثور (تفسیر علی بن ابراهیم هاشم قمی) است، انتخاب نمود؛ در حالی که این دو کتاب از نظر شیعه از درجه اعتبار ساقط هستند و اکثر این دو کتاب با تفاسیر دیگر، به‌ویژه تفسیر ابوالجارود آمیخته شده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۰۳) مرحوم معرفت به غیر از کتاب «صیانه القرآن من التحریف» در رد این قبیل شبهات، راه حل



دیگر را تألیف کتابی مستقل و جامع در نقد روایات تفسیری در بیان دیدگاه شیعه می‌دید که خروجی آن کتاب «تفسیر الاثری الجامع» شده است.

### نتیجه‌گیری

رویکردهای مطالعات قرآنی آیت‌الله معرفت، کاشف از نظام فکری کل‌نگر، سنتی-نوگرا و عقیده‌ای وحدتی است. به این معنا که آگاهی از نحوه پردازش نظریات او ما را به نظام فکری وی نزدیک ساخته و اطلاعاتی مربوط به نحوه شکل‌گیری و بسط تاریخی دیدگاه‌های وی در اختیارمان قرار می‌دهد. از این رو از چگونگی و چرایی هر یک از مسائل قرآنی، به‌ویژه نسخ و تأویل و اعجاز که شاهدی بر فضای شکل‌گیری رویکردهای پژوهشی وی محسوب می‌شود، متوجه می‌شویم که این محقق با تکیه بر محیط علمی (فقهی-اصولی-کلامی)، منابع قرآنی، تاریخی و روایی فریقین، از زوایای گوناگون به تبیین صحیح و گاه نوآوری رسیده است. نگرش، مهارت، منابع و اهداف مرحوم معرفت از بسترهایی است که زمینه طرح این گونه مباحث را فراهم نموده است؛ چراکه در فرایند و برآیند نظریات قرآن‌پژوهی ایشان، از یک سو از مجموع این عوامل تأثیر پذیرفته است، و از سوی دیگر، تألیفات وی در راستای احیای میراث دینی، با شیوه‌ای نو و پاسخ به شبهات مطرح قرآن و شیعه در زمینه‌های قرآنی، تأثیرگذار بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- در التمهید، اعجاز بیانی به تفصیل و یکجا (معرفت، ۱۴۲۹ «ب»: ۵) و در التفسیر الاثری به مناسبت ذیل تفسیر سوره بقره، به هر یک از این ابعاد اشاره می‌شود. در تفسیر الاثری، سیر کمی تحدی از زیاد به کم - کل قرآن، ده سوره، یک سوره - مطرح شده که چنین مطلبی در التمهید نیست. (معرفت، ۱۴۲۹ «الف»: ۱۹۰/۲ و ۱۹۶)
- ۲- صبحی صالح در کتاب خود این تعریف را دقیق‌ترین تعریف اصطلاحی برای نسخ برشمرده است. (صبحی صالح، ۱۹۹۰: ۲۶۱)
- ۳- برای نمونه، در کتاب *صیانة القرآن من التحریف*، تفسیر علی‌بن ابراهیم القمی را به لحاظ منابع رجالی - روایی با جدیت نقد کرده و به لحاظ اعتبار منابع، مجهول و مشکوک دانسته است. (معرفت، ۱۳۸۷: ۱۹۶)
- ۴- از قرن پنجم تا حدود قرن چهاردهم میلادی در اروپا را سده‌های میانه می‌نامند. تفکر و فرهنگ قرون وسطی، به‌ظاهر صورت دینی داشته، اما در واقع تنها صورتی مسخ‌شده به نام

مسیحیت حاکم بود که ماهیتاً با تفکر و فرهنگ دینی اصیل که ذاتاً توحیدی و شهودی است، تفاوت داشته است. (زرشناس، ۱۳۹۳: ۱۹۴ و ۱۹۶) مثلاً اراده خداوند را صفت ذات می‌دانند، نه فعل، در حالی که علمای شیعه در دوره اخیر به اتفاق بر آن هستند که اراده خدا از صفات فعل است. (معرفت، ۱۳۷۴: ۲۲۹)

۵- نسخ در تشریح و بداء در تکوین به معنای نسخ حکم سابق و اثبات حکم لاحق - انشاء رأی جدید در مورد الهی - محال است.

### فهرست منابع

۱. آرمین، محسن (۱۳۸۵)، ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌جا: پژوهشگاه علوم انسانی.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی (بی‌تا)، الإعتقادات، قم: کنگره شیخ مفید.
۳. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا)، التحریر و التنبؤ، بی‌جا: بی‌نا.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال أو اجتاز بنواحیها من واردیها و أهلها، بیروت: دار الفکر.
۸. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۰)، معنای متن پژوهشی در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: طرح نو.
۹. ابوزید، نصر حامد (۲۰۱۴)، مفهوم النص دراسة فی علوم القرآن، المغرب: دارالبيضاء مركز الثقافی العربی.
۱۰. احمدی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۷)، «معناشناسی نسخ تدریجی، مشروط و تمهیدی از منظر آیت‌الله معرفت»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، سال پانزدهم، شماره ۳۷، ص ۹۴-۱۲۳.
۱۱. برقی، احمدبن محمد (۱۳۴۲)، کتاب الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. تفرشی، مصطفی بن حسین (۱۳۷۷)، نقد الرجال، قم: مؤسسه آل البيت للإحياء التراث.
۱۳. حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱)، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۵. خطیب، عبدالکریم (بی‌تا)، تفسیر القرآنی للقرآن، بی‌جا: بی‌نا.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم (بی‌تا)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار آیت‌الله خوبی.
۱۷. ذهبی، محمدحسین (بی‌تا)، التفسیر و المفسرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. رازی، فخرالدین محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. زرشناس، شهریار (۱۳۹۳)، واژه نامه سیاسی - فرهنگی، قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۲۰. زرکشی، بدرالدین (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۲۱. زلمی، مصطفی (۱۳۹۳)، رفع ابهام نسخ در قرآن، ترجمه ابوبکر حسن‌زاده، سنندج: انتشارات آراس.
۲۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.



۲۳. زید، مصطفی (۱۳۹۱ق)، النسخ فی القرآن الکریم، دراسة، تشریعیة تاریخیة نقدیة، بیروت: دارالفکر.
۲۴. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۵. شاذلی، سیدبن قطب (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت قاهره: دارالشروق.
۲۶. شهرستانی، هبة الدین محمد (۱۳۷۰)، تنزیه التنزیل، ترجمه میرزا حکیم خسروی، تبریز: صابری.
۲۷. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۹. صالح، صبحی (۱۹۹۰)، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۰. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۲. عسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۵ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر.
۳۳. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تهران: علمی.
۳۴. غزالی، ابوحامد محمدبن محمد (بی تا)، المستصفی من علم الاصول، تحقیق حمزة بن زهير حافظ، بی جا: بی نا.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دارالکتب.
۳۶. کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، وحی و نبوت، تهران: انتشارات صدرا.
۳۹. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷)، مصونیت قرآن از تحریف، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹ «الف»)، تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۱. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹ «ب»)، تحریف ناپذیری قرآن، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۳)، تناسب آیات و سور، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۴۳. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۴)، آموزش علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۴. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، چاپ پنجم، تهران: سمت.
۴۶. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳)، «نواوری ها و نظرات جدید»، بینات، شماره ۴۴، ص ۵۰-۷۶.
۴۷. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۴)، پرتو ولایت، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۸. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، نقد شبهات پیامون قرآن کریم، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۴۹. معرفت، محمد هادی (۱۳۹۰)، مقدمه ای بر علوم قرآن، ترجمه علی اکبر رستمی، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۵۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق)، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۵۱. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹ق «الف»)، التفسیر الاثری الجامع، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۵۲. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹ق «ب»)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۵۳. مولایی نیا، عزت الله (۱۳۸۷)، نسخ در قرآن، تهران: رایزن.
۵۴. نصیری، علی (۱۳۸۷)، معرفت قرآنی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.